

حزب ایران

به مناسب شصتمین سال تأسیس

مهندس علیقلی بیانی - مهندس نظام‌الدین موحد
اعضای شورای عالی حزب



□ شصتمین سال تأسیس حزب ایران را به هم‌مسلمانان گرامی و عموم یاران آزاده تبریک می‌گوییم و به روح آن عده از مؤسسين و اعضای که فعلاً در بین ما نیستند درود می‌فرستیم.

واقعه‌ی دردناک سوم شهریور ۱۳۲۰ و یورش متفقین به ایران، در خاطره‌ی عموم مردم این کشور باقی و فراموش‌نشده‌ی است و به یاد داریم و یا خوانده‌ایم که در اثر هجوم سربازان خارجی از شمال و جنوب به ایران عزیز به بهانه‌ی همکاری با آلمان هیتلری، چه‌گونه آرامش صوری این ملت را به هم ریخت و چه مشکلات

خانمان‌براندازی که رهاورد هجوم بیگانه بود در ایران به‌وجود آورد، مردم ایران به‌تازگی متوجه بی‌خبری از وضع مملکت و مصائب فردی و اجتماعی و هیجانات روحی ناشی از اشغال مملکت و اوضاع رفقت‌بار آن شدند. بهم‌پاشیدگی اوضاع مملکت پس از حمله‌ی روس و انگلیس به ایران باعث شد تا تقایص و مصایب ناشی از حکومت دیکتاتوری برملا گردد، احساسات ملی سخت جریحه‌دار شده بود، کشورهای متجاوز هر کدام نارضایی‌های مردم را مشاهده کردند. مشاهده‌ی این به‌هم‌ریختگی،

میهن‌پرستان و علاقه‌مندان و خیرخواهان را به فکر چاره‌جویی واداشت. اعتصاب سراسری مهندسين و موفقیت آن نشان داد که چاره و علاج دردها هم‌فکری و وحدت تشکیلات است. حزب توده به رهبری عده‌ی معروف به ۵۳ نفر فعالیت خود را آغاز کرد و در اولین جلسه ابتدایی آن‌ها نماینده‌ی سفارت روسیه حضور یافت و خط مبارزه‌ی آن‌ها را روشن کرد.

عده‌ی حدود ۲۵ نفر از بهترین و متقی‌ترین و صالح‌ترین جوانان وطن‌دوست و تحصیل‌کرده از حقوق‌دان، مهندس، پزشک، ادیب، بازاری و دموکرات دلسوز و آشنا به مملکت به حکم احساسات پاک میهنی و بشردوستی بدون هیچ‌گونه قصد و غرضی که معتقد به تحزب و تشکل بودند و عقیده داشتند دموکراسی بدون حزب ممکن نیست، دور هم جمع شدند و شالوده‌ی تأسیس حزبی را ریخته و

پس از چند جلسه توافق در مرام‌نامه و ایدئولوژی حزب کلمه‌ی مقدس «ایران» را برای نام حزب برگزیدند و تصمیم به ایجاد یک سازمان ایدئولوژیک گرفتند. دامن همت برای توسعه‌ی آن به کمر بستند، خوش‌بختانه ندای کمک آن‌ها در روشنفکران اثر کرد و جواب لیبیک دادند. نام شورانگیز و مقدس «ایران» را از آن جهت برای حزب اختیار کردند که مصمم بودند برای اولین بار بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰، در این سرزمین حزبی را بنیان گذارند که غیر از حفظ مصالح ملت ایران مقصود دیگری نداشته باشد و طبق روال کشورهای بزرگ و دموکرات نام حزب بیان‌کننده‌ی عقاید اصلی و سیاسی حزب باشد و تا آخرین دقایق حیات سیاسی خود با شعار زنده‌ی «جاویدباد ایران» معتقد به فداکاری در راه عظمت و سربلندی ایران باشند و «برای ایران، با فکر ایران، به‌دست ایرانی» بنای یک آینده‌ی روشن و یک زندگی افتخارآمیز را که توأم با «کار، داده، آزادی» باشد برای این ملت اصیل بی‌ریزی کنند و این مرام را برای خود برگزیدند.

مرام حزب ایران

- ۱- از لحاظ سیاسی، حفظ استقلال کامل کشور و پشتیبانی از اصول دموکراسی؛
- ۲- از لحاظ اقتصادی، استقرار عدالت اجتماعی و کوشش در بهبود وضع مادی ملت از راه توسعه‌ی کشاورزی و صنعت و بهره‌برداری از جمیع منابع ثروت مملکت؛
- ۳- از لحاظ اجتماعی، تهذیب اخلاق و تعمیم فرهنگ و تأمین بهداشت عمومی.

پس از تأسیس رسمی در تاریخ ۱۳۲۳/۲/۱۵، حزب مورد اقبال روشنفکران وطن‌پرست قرار گرفت. شخصیت‌های سیاسی و ملی و شاخصی چون اللهیار صالح، سیدباقر کاظمی، حسین نقوی، ارسلان خلعت‌بری و عده‌ی دیگر به حزب رو آوردند و در سلک مؤسسين حزب قرار گرفتند. مرام و نظرات و مؤسسين حزب همگی مورد تأیید و اغلب تقدیر شادروان دکتر محمد مصدق، ستاره‌ی درخشان تاریخ معاصر ایران، قرار گرفت و در دوره‌ی چهاردهم مجلس که رفقای حزبی ما که یک فراکسیون تشکیل دادند، با ایشان همکاری می‌کردند.

حزب توده که خود را پرچمدار حمایت از مستضعفان و کارگران می‌دانست و برای خود یک حق انحصاری طالب بود، با مشاهده‌ی هجوم روشنفکران به حزب ایران و با مشاهده سوسیالیزم حزب ایران که پناهگاه طبقات محروم ایرانی بود، حزب ایران را سد بزرگی در راه پیشرفت صنویات خود انگاشت و از کارشکنی نسبت به حزب ایران خودداری نکرد و هر کس دیگر را که داعیه‌ی طرفداری از رنجبران و زحمت‌کشان داشت، عامل ارتجاع به‌شمار می‌آورد. به همین علت اعضای حزب ایران را که پیرو اصول دموکراسی و سوسیالیزم و مخالف دیکتاتوری صنفی بودند، مرتجع می‌شناخت.

بنیان‌گذاران اولیه‌ی حزب که حدود ۲۵ نفر بودند، آقایان مهندس غلام‌علی فریور، دکتر عبدالله معظمی، دکتر حمید زنگنه، دکتر معاون (هر چهار نفر از وکلای دوره‌ی چهاردهم مجلس شورای ملی)، حسین صدر، مهندس ناصر معتمد، مهندس عباس گزیده‌پور، مهندس علیقلی بیانی، مهندس امیر پایور، مهندس محسن عطایی، دکتر شمس‌الدین جزایری، مرتضی مصور رهمانی، مهندس نظام‌الدین موحد، حسین مکی، رحیم عطایی، مهندس مظفر عطائی‌زاده، دکتر محسن نصر، خان‌بابا ایروانی، دکتر کمال جناب، دکتر نعمت‌الهی، مهندس احمد زنگنه.

چند ماهی از تشکیل حزب نگذشته بود که حزب ملی مهین پرستان تحت رهبری دکتر کریم سنجابی و چند دکتر حقوق به حزب ما پیوستند. حزب مهین در شهرستان هپا ششماتی داشتند، مخصوصاً شعبه‌ی گیلان و خراسان. آن دایره و فعال بودند، با این الحاقی حزب ایران چند شعبه در شهرستان‌ها تأسیس کرد و مهم‌تر آن که غده‌ی از جوانان پُرسور وطن پرست و فعال و صمیمی (اسمعیل قرچاه، ابوالفضل قاسمی و ناصرالدین موسوی) به تهران آمدند و حزب از وجود آن‌ها برخوردار شد.

تشکیل دادن حزب و تعریف یک مرام چیزی سنت و اداره‌ی حزب و پیش‌بردن مرام چیز دیگر است. در تاریخ سیاسی ایران، حزب ایران از جهات گوناگون قابل قیاس با سایر احزاب و تشکیلات سیاسی نیست، قطع نظر از خدماتی که در این دوران شصت سال انجام داده، از دو جهت در تاریخ سیاسی کشور نظیر ندارد. برای این که یک حزب در جامعه پیشرفت کند، شرایط جندی لازم است:

اول - از حیث استمرار و محیط مساعد، با وصف تنگی‌ها و دشواری‌های بسیار محیط سیاسی ایران، بدین توضیح که در این دوران شصت سال فقط در ۲۸ ماه حکومت ملی دکتر مصدق حزب آزادی سیاسی داشتند، در بقیه‌ی احوال در سال‌های ۲۳ تا ۲۹ دستگاه امنیتی کشور به نحوی مانع فعالیت آزاد حزب بود، چه رسد به دوران پس از کودتای انگلیسی - امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که پیوسته رسماً و علناً هر تظاهری ممنوع بود. ناگفته نماند که ایران در بدو تأسیس حزب ایران در اشغال قوای خارجی بود، چون نیروهای خارجی گرفتار جنگ با آلمان بودند که هستی‌شان را در خطر داشت، اگر کسی مزاحم عملیات جنگی آن‌ها نمی‌شد، کاری به کارش نداشتند و به سیاست داخلی ایران توجهی نداشتند. گسترش اعتصاب مهندسين در نتیجه‌ی انتخاب مهندس فریور از تهران و آقایان دکتر مظلمی، دکتر زنگنه، دکتر معاون و مهندس رضوی از شهرستان هپا و تأسیس حزب توده، دلیلی بر آمادگی

مردم ایران برای متشکل شدن و طالب حکومت مردم بر مردم بود.

شرط دوم برای پیشرفت یک حزب این است که مرام حزب باید با خواسته‌ها و عقاید کلی مردم تطبیق کند و ترجمان احساسات درونی آن‌ها باشد. مرام ما به حد کافی این موضوع را داراست. حزب ایران از لحاظ مکتب سیاسی - عقیدتی و فلسفی مجهز بود و چنان که می‌دانیم غیر از حزب توده سایر احزاب سیاسی ایران مکتب فکری تفصیلی منطبق با خواسته‌های مردم نداشتند، فقط طرفدار دموکراسی و یا مدافع تمامیت ارضی ایران و یا خواهان عدالت بودند، به علت همین مزیت بارز حزب توده بود که تعداد بسیاری از روشنفکران وطن پرست و کارمندان و کارگران ما محافل از پیروی بی‌چون و چرای اکثریت سران حزب توده از دولت شوروی به آن حزب پیوستند و بعدها متوجه شده و از آن کنار گرفتند.

آن چه از این تجربه به دست آمد نتیجه‌ی بسیار سودمندی بود و آن احساس ضرورت تدوین یک مکتب فلسفی - سیاسی مستقل و سازگار با اصول و عقاید حزب درباره‌ی آزادی و تمامیت ارضی ایران و عدالت اجتماعی و دموکراسی؛ تا آنان که عضویت حزب ایران را می‌پذیرند، تنها به سبب عشق به ایران و آرزوی سعادت ایرانیان نباشد، بلکه به حکم عقل ایمان آورند که راه رسیدن به رفرفرازی ایرانیان و استقلال ایران، پیروی از مکتب فلسفی - سیاسی حزب ایران است، نه این که با سیمی یابند و از بادی بروند. سرانجام حزب پس از این تجربه و سرزنش این و آن به کار پرداخت.

علاوه بر مجموع بروشورها و دستور بحث‌ها، راجع به عقاید حزب درباره‌ی آزادی و کار و داد، مکتب مفیدی از فلاسفه اروپا از فرانسه یا انگلیسی ترجمه شده است که در تأیید فلسفی آرای حزب ایران است که در عین استفاده از معارف مثبت عصری از هیچ یک از احزاب بیگانه کپی برداری نشده است. لذا این اصل که تشکیلات سیاسی باید مسلماً مکتب فکری معینی از Doctrine داشته باشند مقبول عامه گردید.

ناگفته نماند که این نشریات عقیدتی به جز از آن‌هاست که در مورد مسایل سیاسی و اقتصادی روز مانند «برچیدن بازک شاهی» (نوشته‌ی عبدالحسین دانشپور)، افشاگری عملیات ناروای شرکت غایب نفت انگلیس (تحقیقات مهندس کاظم حبیبی)، ملی شدن صنعت نفت، پرسش‌های بی‌پاسخ (نوشته‌ی مهندس احمد زیرک‌زاده) نوشته و منتشر شده است.

بهرآسانی می‌توان ادعا کرد این رسالات عقیدتی و کتب در خزینه فرهنگی مردم ایران جای خود را به دست آورده است، یک نتیجه‌ی غیرمنتظره این راه و رسم حزب ایران درباره‌ی تدوین مکتب مستقل فلسفی - سیاسی خود، این شد که پس از تشکیل جبهه ملی به پیشوایی دکتر محمد مصدق ضرورت تدوین مکتب فلسفی سیاسی مستقلی برای جبهه‌ی ملی نیز احساس شد، در نتیجه بروشور دانش و آرمان به مثابه‌ی پایه فلسفی - سیاسی جبهه ملی از طرف حزب ایران به جبهه ملی تقدیم شد. در این نشریه نقش اصیل و اهم آرمان در مقابل علم بیان شده است تا بر اصالت آزمائی جبهه ملی برای بهترین استفاده از دانش در برابر اصالت رفاهی افراد بی‌درد در استخدام علم توجیه مستلزمی عرضه دارد.

شرط چهارم که اگر از همه مهم‌تر نباشد، در ردیف مهم‌ترین شروط است، داشتن تبلیغات صحیح و وسیع دامنه‌دار است و در حقیقت باید گفت در این مورد حزب ما کسری داشت. اداره‌ی حوزه‌ها و جلسات بحث و انتقاد روزنامه‌ها بازیچه نیست و برای همه‌ی جماعت‌ها میسر نمی‌شود. جلسات بحث و انتقاد گوینده می‌خواستند و مخصوصاً مطالب گفتنی جالب و جوان پسند احتیاج داشتند، ما به اندازه‌ی کافی نداشتیم و یا فاقد بودیم و بدتر از همه تهیه‌ی مطالب جالب مربوط به مرام یک حزب ملی که هم با خارجی‌ها و هم با دولت‌های داخلی در ستیز است، کار آسانی نیست. حزب وضع مالی رضایت‌بخشی هم نداشت، به عکس احزابی که به کمک خارجی فعالیت می‌کردند.

اداره‌ی روزنامه به مراتب مشکل‌تر بود، مخصوصاً چاپ آن کاری طاقت‌فرسا بود. انتشار یک روزنامه بدون غلط چاپی امکان‌پذیر نبود. رفقای حزبی گرفتار می‌شدند و تا نیمه‌شب آن‌ها را مشغول می‌داشت، تازه صبح فردا می‌دیدیم روزنامه پر از غلط است.

پنجم، یکی از امتیازات بارز حزب ایران، اصالت فرد و مبارزه با فساد و جهل است. از نخستین روزهای تشکیل حزب نوشته‌جات آن مکرر یادآور شدند که تا فساد و جهل حکومت می‌کند، وضع قوانین بیهوده است، زیرا مجریان بی‌تقوی هر نوع قانونی را زیر پا می‌گذارند یا به نحوی به منافع خود تغییر و تفسیر می‌کنند تا با رشوه‌خواری آنان ناسازگار نباشد.

ما نمی‌توانیم این نکته را بدون خودستایی نگفته بگذاریم، افرادی که با به حزب ایران می‌گذارند و افرادی که در این حزب گرد آمدند، همه و همه از برجسته‌ترین، پاک‌ترین، متقی‌ترین و وطن‌پرست‌ترین افراد این مملکت بوده و هستند. رفتار اکثریت افراد در دوره‌های خفقان بهترین نشانه‌ی این مذعاست. از تمام اعضا و حزب ایران، از بالا تا پایین که مصادر مشغل مهمی بودند تا به امروز که فعالیت آزاد غیرممکن شده است، بیش از چند نفر انگشت‌شمار از جاده درستی و راستی منحرف نشده‌اند.

نتیجه‌ی این طرز تفکر و حاصل این گفتار و نوشتارهای مکرر این شد که به‌حمدالله در طول شصت سال، همه‌ی افراد حزب ایران امتحان تقوای مدنی خود را دادند. نشانه آن که هر که درست کار بود، آن را عضو حزب ایران می‌دانستند.

اصالت فرد امر بسیار مهمی است که در عداد اعتقادات حزبی این حزب است، به‌سبب عدم رعایت این اصل است که بسیاری از کسانی که در باطن قصدی جز سود خود ندارند، با تظاهر به عقیده‌ی درست و زبان فروشی درباره‌ی عدالت و انصاف آزادی و غیره و اعلام عقاید صحیح، خود را در صفوف خدمت‌گزاران مردم قلمداد می‌کند و در فرصت مناسب مقاصد خود را محقق می‌سازند.

حزب ایران عملاً معیارهای اخلاقی را مبنای ارزشی افراد قرار داده و به‌خوبی رعایت کرده و می‌کند. و معتقد است که سیاست را نیز باید با اخلاق توأم کرد و در مسیر امور سیاسی و مملکت‌داری از خط مشی اخلاق حسنه و اصالت فرد پیروی کرد. چنان که تلون، تزویر، خدانشناسی، نادرستی، دروغ و آلودگی‌های اخلاقی را در امر سیاست محکوم می‌کند و مردود می‌داند.

باری با توجه به تمام این اعتقادات و مشکلات، حزب ایران کم و محکم قدم برمی‌داشت و به جلو می‌رفت. مطالب روزنامه‌های حزب با مطالب روزنامه‌های حزب توده برابری می‌کرد. حزب ایران خواستار عدالت اجتماعی و

ریشه‌کن کردن فساد و نجات مملکت از فقر و بیرون آوردن آن از چنگال استعمار است. فرق عمده‌ی حزب ایران با حزب توده، در این است که آن‌ها این مقاصد را به‌طور آشکار و یا در لفافه جملات با کمک دولت شوروی می‌خواستند، در صورتی که حزب ایران به‌دست و همت مردم ایران می‌خواست.

با تشکیل شاخه‌ی کارگری، عده‌ی زیادی از کارگران و تکنسین‌های راه‌آهن و دخانیات که در آن موقع قدرت مطلقه ستادی حزب توده بود، حدود چهارصد نفر از کارگران و تکنسین‌های راه‌آهن و دخانیات که تفکر ملی داشتند، به حزب ایران پیوستند و برای تجهیز فکری و عقیدتی آن‌ها جلساتی ترتیب داده شد.

حمایت آن‌ها در مقابل حملات کارگران شورایی متحده در محل کار که هم از جهت تجهیزات مالی و تعداد بر حزب ایران برتری داشت، یکی از مشکلات حزب ایران بود. به‌منظور پرهیز از آن که سب‌راه حزب ایران می‌شدند، به‌خصوص از نظر سیاسی و فایز آذربایجان و سوءسیاست دولت از نظر خارجی و روش‌های متدبانه، حزب به‌مانور سیاسی دست زد و با حزب توده ائتلاف موقت کرد که برای بسیاری تمجیباو بود. این عمل یک اشتباه بزرگ تاکتیکی حزب ایران بود، چه روش سیاسی حزب همیشه فراغت و احتراز از بستگی به یک سیاست خارجی بود و ائتلاف با حزب توده هرچند تدبیر روز بود، ولی یک نوع شکستن عهد تلقی می‌شد. (ولو در مدتی کوتاه)

این ائتلاف مشکلات و گرفتاری‌های زیادی برای حزب ایران به‌وجود آورد. اکثر اعضای حزب ترک ائتلاف را طالب بودند و مخالفین سرسخت که جناح راست حزب بودند، از حزب جدا شدند و حزب دیگری به‌نام وحدت ایران تشکیل دادند که دیرپی نداشت.

با تلاش سرسختانه‌ی اعضای حزب و خصوصاً جوانی و درک اعضا از موقعیت، حزب از پاشیدگی نجات یافت، صرف‌نظر از زیان‌هایی که در اثر ائتلاف با حزب توده برای حزب ایران پیش آمد، پای حزب را به‌سوی اجرای فرقه‌ی دموکرات آذربایجان کشاند.

حزب دموکرات آذربایجان که داعیه‌ی جداشدن آذربایجان از ایران داشت و دولت شوروی پشتیبانی می‌کرد، سربازهای فرقه‌ی دموکرات که اغلب سرباز روسی بودند تا شریف‌آباد قزوین پیشروی کرده بودند و حزب توده با نهضت پیشموری هماهنگی می‌کرد. تبیین و تاکتیک حزب ایران در این بود که با جلب محبت و هم‌فکری سعی کند که فرقه‌ی دموکرات حزب محلی نیست و خواسته‌هایش مقدمه‌ی برای کمک به تمامیت ایران در مبارزه با استبداد و یاری تمام مردم ایران است. با دراز کردن دست دوستی در بیان‌های خود اعلام کردیم که فرقه دموکرات در صدد جداکردن آذربایجان نیست، به پیشموری و دکتر جاوید آموختیم که برنامه‌ی اصلاحی خود را با برنامه‌های اصلاحی حزب ایران در اصلاحات و مبارزه با استبداد تطبیق دهند و خواسته‌های خود را برای تمام ایران بخواهند، نه فقط برای آذربایجان، این تدبیر با تشکیل جبهه اجزای آزادی‌خواه مؤثر واقع شد و مسأله‌ی جدایی آذربایجان با اقدامات دولتی متغی گردید و آلاً به آسانی ارتش فرقه‌ی دموکرات از ایران عقب‌نشینی نمی‌کرد.

در اثر این ائتلاف موقت حمله‌ی فراوانی به حزب ایران شد. اما حزب اصول عقاید و ثابت خود را از دست نداد، تا موجبات ائتلاف در اثر اقدامات خلاف و شکستن قول و قرار از طرف حزب توده و رفتارش با کارگران و تکنسین‌های عضو حزب ایران کم‌تر از شش ماه شکسته شد و روش قبلی خود را پیش گرفت، چنان که هنگام طرح مقاله‌نامه‌ی قوام ستاد چیکف در مورد بهره‌برداری از نفت شمال حزب ایران مخالفت خود را علی‌رغم حزب توده ابراز کرد که سپردن ذخایر نفت ایران به‌دست بیگانگان مردم را از تهی‌دستی نجات نمی‌دهد، آن‌جا که نفت استخراج نشده است، ایرانیان بر روی طلای سیاه گرسنه جان می‌دهند و آن‌جا که استخراج می‌شود در کنار طلای مذاب گرسنه می‌میرند، خوش‌بختانه مجلس پانزدهم این مقاله‌نامه قوام‌ساد چیکف را رد کرد و به حزب ایران این فرصت را داد تا در حماسه مصدق نقش اصلی را بازی کند.

حزب ایران تاکنون چه کرده است؟

همان‌طوری که در مقدمه ذکر شد، یکی از عوامل اصلی برای تضمین بقای هر ملت و هر حزبی، پایداری و اصول عقاید و آداب و رسوم مقدس است که جنبه‌ی عقیده به خود می‌گیرد. حزب ایران همیشه با هر امری که مخالف مصالح و منافع ملت ایران و همچنین استقلال و تمامیت ارضی بوده و از هرگونه انحراف، مخالفت و نکوهش کرده است. اکنون فعالیت‌های حزب:

۱- اعلامیه حزب مورخ اول بهمن ماه ۱۳۳۵: در مخالفت با حمله‌ی اسرائیل، فرانسه و انگلستان به کشور باستانی مصر به پنهان و جرم ملی کردن کانال سوئز که ناشی از تأسی به ملت ایران در ملی کردن صنایع نفت بود، آیزن هاور، رئیس جمهور وقت امریکا و دالس، وزیر خارجه‌ی آن، در ژانویه‌ی ۱۹۵۷ سیاست جدیدی حاکی از استقلال سیاست امریکا در خاورمیانه و پیروی نکردن از سیاست امپریالیسم و کلونیالیسم انگلستان و فرانسه در حمله به مصر و احترام حقوق بشر و آزادی و استقلال ملل اعلام کردند که در مسأله‌ی حمله به مصر اعمال گردید. حزب آن قسمت از این دکترین را که تقبیح سیاست‌های استعماری بود تأیید کرد و خط مشی کلی خود را نیز ضمن آن تشریح نمود.

۲- مخالفت حزب ایران با واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی: در سال ۱۳۳۳ هنگامی که کافتارادزه، معاون کمیساری خارجی شوروی، از دولت ایران واگذاری امتیاز نفت شمال را به دولت متبوع خود خواستار شد و پافشاری می‌نمود و حزب توده شدیداً از آن دفاع می‌کرد و معتقد بود برای حفظ موازنه‌ی سیاسی امتیاز نفت شمال به روس‌ها واگذار شود، حزب ایران در شماره‌ی ۱۴ روزنامه‌ی ارگان خود شفق مورخ ۱۳۳۳/۹/۶ چنین بیان کرد: «حزب ایران معتقد است که در شرایط حاضر هیچ‌گونه امتیازی به هیچ‌یک از دول یا شرکت‌های بیگانه برای منطقه‌ی معینی داده نشود و به‌طور کلی استخراج نفت ایران در نقاط استخراج‌شده و حتا در نقاط استخراج‌شده که برخلاف میل و منافع ایران امتیاز آن واگذار شده، در اولین فرصت بایستی شرکتی تشکیل شود که لااقل ۵۱ درصد از سهام آن متعلق به ایران و ۴۹٪ بقیه بین دول استخراج‌کننده‌ی نفت و حتی‌الامکان به‌طور متساوی تقسیم گردد.

۳- ابستروکسیون اقلیت دوره‌ی چهاردهم: حزب ایران به پیروی از عقاید خود در سال ۱۳۳۴ چون روش دولت وقت را به کلی مغایر عقاید و

روش خود می‌دانست، با ابستروکسیون اقلیت دوره‌ی چهاردهم که به رهبری دکتر محمد مصدق انجام گرفت، موافقت نمود و مدافع آن بود.

۴- مخالفت حزب ایران با تشکیل کمیسیون سه‌جانبه: در اواسط سال ۱۳۳۴، در کابینه‌ی مرحوم حکیم‌الملک که به صداقت شهره داشت، متفقین پیشنهاد تشکیل کمیسیون سه‌جانبه را به دولت ایران دادند. این پیشنهاد شامل آن بود که کمیسیونی از طرف امریکا و شوروی و انگلستان تشکیل شود و به مسایل مورد اختلاف و معضلات امور مربوط به ایران من جمله مسأله‌ی آذربایجان رسیدگی نماید، علت این پیشنهاد قصد مماشات امریکا و انگلیس با شوروی بود. حزب ایران تشکیل این کمیسیون را یک نوع قیومیت تلقی کرد و آن را لطمه‌ی جبران‌ناپذیر به حیثیت ملی ایران و موجب ریشه‌کن ساختن استقلال ایران می‌دانست، لذا کمر مخالفت با آن را بر بست. در این مسأله شادروان دکتر مصدق برای عقیم ساختن نقشه و فکر تشکیل کمیسیون در مجلس چهاردهم پیش قدم بود.

۵- مخالفت حزب ایران با مجلس مؤسسان فروردین ۲۹: هدف شاه از تشکیل این مجلس ایجاد اختیاراتی برای خود بود و حزب ایران نظر به این که قانون اساسی را اصیل‌ترین سند مشروطیت و خون‌بهای شهدای راه آن بود، به هیچ‌وجه با این امر موافقت نکرد تا کوچک‌ترین تغییری در قانون اساسی و این سند معتبر و اصیل مشروطیت داده نشود.

۶- حزب ایران و جبهه ملی: اساس و پایه‌ی تشکیل جبهه‌ی ملی ایران در تحصن به دربار گذاشته شد و حزب ایران یکی از پایه‌های اصلی این تحصن و جزو پیش‌گامان به‌شمار می‌آید، لذا در تشکیل جبهه‌ی ملی نیز جزو مؤسسين اصلی قرار گرفت و همکاری‌هایی را با دکتر مصدق، پیشوای جبهه‌ی ملی، داشت و علاقه و نظرات خود را در این مورد ابراز نمود که جبهه به‌صورت همکاری و هم‌گامی کلیه‌ی دسته‌جات ملی و شخصیت‌های بالای ملی باشد، نه آن که به‌صورت حزب عمل نماید، چه احزاب متشکله هر کدام معتقد به استقلال خود بودند.

۷- ملی‌شدن صنعت نفت ایران: پس از تصویب قانون استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت جنوب، دولت‌های مسامحه‌کار بالاخره برای تشکیل عدم رضایت مردم ایران از حق مختصری که به ایران تعلق می‌گرفت، مذاکره با شرکت سابق نفت را آغاز کردند. حزب ایران تصمیم گرفت در این مورد مطالعات و نظرات خود را که به حال کشور مفید است، اعلام نماید. حزب ایران برای بررسی این امر مطالعاتی لازم داشت.

منابع اولیه‌ی این مطالعه ابتدا بیان مختصری بود که در روزنامه‌ی اطلاعات آن روز منتشر شد و چیز مهمی از آن مفهوم نمی‌شد، تا این که بیان‌های رسمی شرکت سابق در مجلات نفتی دنیا به‌دست آمد و کتاب‌ها و مجلاتی که راجع به نفت و قیمت و میزان استخراج جهانی آن منتشر می‌گردید، به‌دست آمد. مطالعه و تحقیق در این مورد به‌عهده‌ی زنده‌یاد مهندس کاظم حبیبی، عضو کمیته‌ی مرکزی حزب، از مهندسين دانشمند، استاد دانشگاه تهران و بسیار تیزبین محول گردید. مطالعات یک‌ساله‌ی زنده‌یاد مهندس حبیبی موجب اثبات اقدامات خلاف قانون و قرارداد و افشاکگری‌های زیاد از عملیات شرکت سابق نفت و مدارک غیرقابل انکاری که شامل تجزیه و تحلیل دقیق و کامل قرارداد الحاقی بود، گردید به‌طوری که در دوره‌ی پانزدهم مرحوم حسین مکی که خود یکی از مؤسسين اولیه‌ی حزب بود و به عللی از حزب کناره گرفته بود و به وکالت از اراک در دوره‌ی پانزدهم انتخاب شده بود، هنگام طرح مسأله‌ی نفت و مخالفت با قرارداد معروف به «گس - گلشایان» با نطق مفصل چندروزه‌ی خود در آخرین روزهای دوره‌ی شانزدهم به اختتام آن دوره و عدم تصویب قرارداد الحاقی انجامید.

دولت وقت با تصور این که لایحه را هرچه زودتر به تصویب برساند، آن را در روزهای آخر عمر مجلس شانزدهم مطرح کرد و مرحوم مکی از حزب ایران در این مورد کمک خواست و حزب تصمیم گرفت تمام مطالعات خود را در اختیار او گذارد تا دوران مجلس را با صحبت به پایان رساند، خوش‌یختانه چون مطالعات زیاد و کامل بود و توسط مرحوم حبیبی به پشت‌تریبون مجلس برای آقای مکی ارسال می‌شد، عمر مجلس با نطق مکی به پایان آمد و مجال تصویب قرارداد «گس - گلشایان» نشد و بر اثر تجدید انتخابات تهران و راه‌یافتن ملیون به مجلس با رهبری دکتر مصدق با مطالعات انجام‌شده، شعار صحیح و غیرقابل ایراد «ملی‌کردن صنعت نفت» در سراسر ایران مطرح گردید که همگی از آن واقفند. این شمه‌ی از فعالیت‌های حزب ایران بود. در خاتمه‌ی این مقال به‌جاست که از مؤسسين و اعضای فعال و صدیق حزب ایران که اکنون در میان ما نیستند، درود بفرستیم.

جاوید باد ایران ■

